نقش میانجی انتظارات زناشویی در رابطه بین نیازهای اساسی روانشناختی و طلاق عاطفی در کارکنان شبکه بهداشت و درمان

دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳

بهاره حبیبی[۱]، سارا شیرمردی[۲*]، خدیجه شیرالی نیا[۳]، کیهان فتحی[۴]

۱. دکترای مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران ۲. دکترای مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روا شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران ۳. استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران ۴. استادیار، گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: گاهی زوجین در رابطه خود دچار تعارض‌هایی می‌شوند که آن‌ها را به سمت طلاق هدایت می‌کند. اولین مرحله در فرآیند طلاق را طلاق عاطفی می‌دانند که بیانگر رابطه زناشویی رو به زوال است. هرچند رابطه بسیاری از متغیرها با طلاق عاطفی مشخص شده است، اما شناسایی عوامل میانجی می‌تواند مفید باشد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی انتظارات زناشویی در رابطه بین نیازهای اساسی روان‌شناختی و طلاق عاطفی در کارکنان شبکه بهداشت و درمان است.

روش کار: روش پژوهش حاضر توصیفی- تحلیلی از نوع همبستگی است. جامعه آماری آن را کارکنان متأهل شبکه بهداشت و درمان شهرستان ماهشهر در سال ۱۴۰۱ تشکیل دادند که با روش نمونه‌گیری در دسترس ۱۰۲ نفر داوطلب شرکت در پژوهش شدند. شرکت-کنندگان به پرسشنامه استاندارد نیازهای بنیادین روان‌شناختی، ایده‌آل سازی ازدواج و طلاق عاطفی پاسخ دادند. داده‌های پژوهش با استفاده از روش همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد اثر مستقیم نیازهای بنیادین روان‌شناختی بر طلاق عاطفی (۰/۲۵۸-) و اثر مستقیم انتظارات زناشویی بر طلاق عاطفی (۰/۶۳۲-) معنادار است ($p<0/001$). همچنین، اثر غیرمستقیم انتظارات زناشویی (۰/۳۳-) در رابطه بین نیازهای بنیادین روان-شناختی و طلاق عاطفی معنادار بود ($p<0/001$).

نتیجه‌گیری: به طور کلی می‌توان گفت که عدم ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی می‌تواند منجر به شکل‌گیری انتظارات خاص در افراد متأهل شود که منجر به طلاق عاطفی گردد. بنابراین، در برنامه‌های آموزشی پیش از ازدواج و در زوج‌درمانی توجه به نقش انتظارات زناشویی و نیازهای بنیادین روان‌شناختی زوجین می‌تواند در شناسایی و درمان مسائل زوجی حائز اهمیت باشد.

کلیدواژه‌ها: نیازهای بنیادین روان‌شناختی، انتظارات، طلاق عاطفی

* **نویسنده مسئول:** دکترای مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

ایمیل: shirmardi.sara1990@gmail.com **تلفن:** ۰۹۳۷۱۷۱۶۶۶۲ **نمابر:**

[Downloaded from journal.jmu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.25382810.1401.9.3.4.4]

مقدمه

"ازدواج یک پدیده اجتماعی است که در پناه آن یک مرد و زن از طریق تعهدی مبتنی بر قانون، مذهب و اخلاق یک کشور تصمیم می‌گیرند به عنوان زن و شوهر با هم زندگی کنند" (۱). ازدواج می‌تواند موجبات رضایت و شادمانی زناشویی و در نتیجه افزایش کیفیت رابطه را فراهم کند که در این صورت ثبات ازدواج و خانواده تضمین می‌شود(۲و۳). با این وجود، گاهی زوجین در رابطه خود دچار مشکل و تعارض می‌شوند که آن‌ها را به سمت طلاق که نوعی آسیب اجتماعی است، هدایت می‌کند (۴و ۵). اولین مرحله در فرآیند طلاق را طلاق عاطفی می‌دانند که بیانگر رابطه زناشویی رو به زوال است و منجر به احساس بیگانگی بین زوجین می‌شود (۶، ۷). در این نوع طلاق زوجین به اجبار با هم زندگی می‌کنند اما، جاذبه و اعتماد آن‌ها نسبت به هم از دست رفته است و رابطه سازنده‌ای ندارند (۸). طلاق عاطفی چند مرحله دارد؛ ۱. از بین رفتن محبت بین زوجین ۲. ترک جزئی و کامل اقدامات عاطفی که این اقدامات می‌تواند شامل عدم ابراز احساس تا روابط فرازناشویی و غفلت از همسر باشد (۳). طلاق عاطفی پیامدهای زیانبار جسمانی و روانی برای زوجین دارد (۹) که می‌توان به اضطراب، افسردگی و کاهش اعتماد به نفس و بیماری‌های روان‌تنی اشاره کرد (۱۰).

از سوی دیگر، یکی از متغیرهای روان‌شناختی که می‌تواند طلاق عاطفی را پیش‌بینی کند، نیازهای بنیادین روان‌شناختی است (۹) که تأثیرات عمیقی بر شخصیت و رفتار افراد می‌گذارد (۱۱). براساس نظریه خود تعیین گری، سه نیاز بنیادین هر فرد، استقلال، شایستگی و تعلق می‌باشد (۱۲). استقلال در این نظریه به این معناست که پیامدهای رفتار فرد توسط خود وی تعیین می‌شود. احساس شایستگی به توانایی خلق آثار مطلوب مربوط می‌شود و احساس برخورداری از روابط رضایت‌بخش، بیانگر نیاز تعلق است. براساس این نظریه در صورتی روابط زوجین همراه با رضایت خواهد بود که به میزانی نیازهای بنیادین روان‌شناختی آن‌ها برطرف شود (۱۳).

همچنین، یکی از عواملی که می‌تواند موجبات آشفتگی و ناسازگاری را در رابطه زناشویی فراهم کند (۱۴) و بر گرایش زوجین به طلاق عاطفی تأثیرگذار است، انتظارات زناشویی است (۵، ۱۵). پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که سردی روابط میان زوج ها به دلیل برآورده نشدن انتظارات زناشویی در بین زوج‌ها است (۱۶، ۱۷، ۱۸). انتظارات زناشویی را به انتظار فرد از رابطه مطلوب زناشویی خود در آینده تعریف کرده‌اند که گاهی مبهم و ابراز نشده و گاه شامل تجارب گذشته و رسوم خانوادگی است که زندگی زوجین را به صورت منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد (۱۹).

پژوهش‌های بسیاری به بررسی رابطه مستقیم نیازهای بنیادین روان‌شناختی و طلاق عاطفی پرداخته‌اند و نتایج حاکی از ارتباط این متغیرها با یکدیگر است (۵، ۲۰). از نظر گلاسر (۲۱) نیز ناهماهنگی نیازهای روان‌شناختی و روش ارضای آن‌ها با تعارض زناشویی و کیفیت روابط زوجین ارتباط دارد. اما، به نظر می‌رسد طلاق عاطفی و نیازهای بنیادین روان‌شناختی خود نیز تحت تأثیر عوامل دیگری باشند که یکی از آن‌ها انتظارات زناشویی است (۲۲). چنانچه پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که انتظارات زناشویی با طلاق عاطفی (۴، ۲۳) و نیازهای بنیادین روان‌شناختی رابطه دارد (۷).

طلاق عاطفی پیامدهای زیانبار جسمانی و روانی برای زوجین دارد که می‌توان به اضطراب، افسردگی، کاهش اعتماد به نفس و بیماری‌های روان‌تنی اشاره کرد (۵ و ۱۲). بنابراین، شناسایی عوامل زمینه‌ساز آن، چگونگی روابط میان عوامل مؤثر و چگونگی تأثیر آن‌ها بر طلاق عاطفی می‌تواند راهگشای مداخلات زوج‌درمانگران، خانواده درمانگران و سودمندی مداخلات آن‌ها باشد. گرچه پژوهش Khanmohammadi و همکاران (۵) نشان داده است که نیازهای بنیادی روان‌شناختی و انتظارات زناشویی پیش‌بینی‌کننده طلاق عاطفی هستند و رابطه نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی با طلاق عاطفی یک رابطه خطی نیست (نقش عملکرد خانواده را به عنوان متغیر میانجی در این رابطه بررسی کرده‌اند) اما، براساس پیشینه نظری پژوهش به نظر می‌رسد نیازهای بنیادین از طریق متغیرهای دیگری مانند انتظارات زناشویی نیز بر طلاق عاطفی اثرگذار باشد؛ زیرا به نظر می‌رسد انتظارات افراد از خلاءها و نیازهای روانی برآورده نشده در تجارب گذشته آن‌ها نشأت می گیرد (۲۴). بنابراین، زوجین از یکدیگر انتظار دارند که همسرشان تمام این خلاءها را پر کند (۲۴). به طوری که پژوهش Reić Ercegovac (۲۲) نشان داده است نیازهای بنیادین روان‌شناختی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده انتظارات و نگرش افراد به ازدواج باشند. همچنین، به عقیده Knee & Acitelli (۲۵) انتظارات صحیح، موجب می‌شود افراد نیازهای شریک زندگی خود را به درستی ارزیابی کرده و رفتار مناسب نشان

[Downloaded from journal.jmu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.25382810.1401.9.3.4.4]

دهند. بنابراین، بررسی نقش میانجی انتظارات زناشویی در رابطه بین نیازهای بنیادین و طلاق عاطفی در کارکنان شبکه بهداشت با بکارگیری روش تحلیل مسیر از جمله دلایل انجام این پژوهش است. زیرا از آنجا کادر بهداشت و درمان تحت استرس کاری زیادی قرار دارند (۲۶) به ویژه کارکنان زن که مسئولیت های عمده‌ای دیگری در خانواده نیز دارند (۲۷)، از این رو نیاز به حمایت عاطفی بیشتری دارند (۲۸). همچنین، ممکن است انتظارات زناشویی گوناگونی در رابطه زناشویی این افراد بوجود آید که انتظار حمایت و برآورده شدن آنها را از طرف همسر خود داشته باشند که ارضا یا عدم ارضای آنها بر روابط عاطفی آنها تاثیرگذار باشد. بنابراین، به عنوان نمونه پژوهش حاضر انتخاب شدند. با توجه به مطالب ذکر شده، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی انتظارات زناشویی در رابطه بین نیازهای روان شناختی و طلاق عاطفی است. مدل مفهومی پژوهش حاضر برای پاسخگویی به هدف پژوهش در نمودار ۱ آورده شده است.

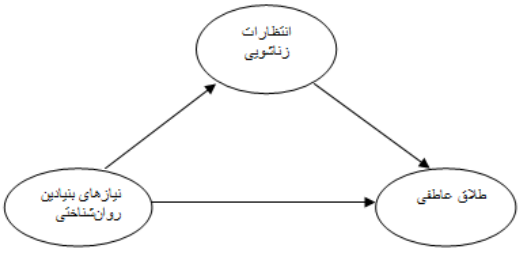

نمودار ۱. مدل فرضی نقش میانجی انتظارات زناشویی در ارتباط بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و طلاق عاطفی در کارکنان شبکه بهداشت و درمان ماهشهر

روش کار

پژوهش حاضر، یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود و از تحلیل مسیر مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. جامعه آماری آن ۳۰۰ نفر از کارکنان متأهل شبکه بهداشت و درمان شهرستان ماهشهر در سال ۱۴۰۱ بودند که از طریق فرمول کوکران و با روش نمونه‌گیری در دسترس، ۱۰۲ نفر (۸۴ زن و ۱۸ مرد) و داوطلب شرکت در پژوهش شدند. لازم به ذکر است که در ابتدا ۱۵۰ پاسخنامه دریافت شد که با توجه به ملاک‌های پژهش تعداد ۱۰۲ نفر واجد شرایط پژوهش بودند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل ۱- متأهل بودن، ۲- توانایی خواندن و نوشتن، و ۳- عدم اقدام به مشاوره و طلاق قانونی بود. همچنین، ملاک خروج پژوهش ۱- عدم تمایل به همکاری در پژوهش و ۲- تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها بود.

ابزار گردآوری داده‌ها

۱- پرسشنامه طلاق عاطفی: Gottman (۲۹) این پرسشنامه را در ۲۴ گویه به شکل دو گزینه‌ای و به صورت بلی (۱) یا خیر (۰) تنظیم کرده است. پس از جمع کردن پاسخ‌های مثبت، چنانچه تعداد آن برابر ۸ و بالاتر باشد، به معنای این است که زندگی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق روانی در وی مشهود است. بالاترین نمره در این پرسشنامه ۲۴ و پایین‌ترین نمره ۰ می‌باشد. پایایی این ابزار از طریق روش آلفای کرونباخ ۰/۸ و روایی آن با استفاده از تحلیل عاملی، روش چرخش واریماکس و آزمون اسکری ۰/۷۹ بدست آمد (۲۹). پایایی کل این ابزار در پژوهش موسوی و رحیمی‌نژاد (۳۰) با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۳ بدست آمد. روایی صوری و محتوایی این بسته نیز توسط ۵ نفر از اساتید دانشگاه با تخصص خانواده و ازدواج تأیید شد (۳۰). در این پژوهش پایایی این ابزار از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۲ بدست آمد.

۲- مقیاس ایده‌آل‌سازی ازدواج: این ابزار توسط Adoric & Juranic برای سنجش گرایش افراد به ایده‌آل سازی ازدواج ساخته شده است (۳۱). این ابزار دارای ۱۳ سوال و طیف لیکرت آن از کاملا درست =۳ تا کاملا نادرست =۳- است. سوال ۶ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. حداقل نمره در این آزمون ۳۹- و حداکثر ۳۹ است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده گرایش کم افراد به ایده‌آل‌سازی ازدواج می‌باشد (۳۱). روایی این ابزار به روش همبسته شدن با مقیاس‌های رضایت زناشویی، ثبات زناشویی، انصاف درک شده و حل موفق تعارض در نمونه زوج‌های متأهل به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۴، ۰/۷۸ و ۰/۷۲ بدست آمد (۳۱). همچنین، همسانی درونی این ابزار با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ بدست آمد. در این پژوهش برای اولین بار این مقیاس توسط پژوهشگر و متخصصان ترجمه شد. مقدار پایایی این مقیاس در بررسی مقدماتی از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۴ بدست آمد.

۳- پرسشنامه نیازهای بنیادین روان‌شناختی: این ابزار توسط Deci & Rayan جهت اندازه‌گیری میزان احساس

[Downloaded from journal.jmu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.25382810.1401.9.3.4.4]

حمایت از نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط با دیگران ساخته شده است (۱۲). این مقیاس از ۱۲ گویه تشکیل شده است که براساس یک مقیاس لیکرتی ۵ درجه‌ای از کاملاً نادرست (۱) تا کاملاً درست (۴) تنظیم شده است. بالاترین نمره در این پرسشنامه ۴۸ و پایین‌ترین نمره آن ۱۲ می‌باشد. نمره کل مقیاس از طریق جمع کردن نمره سه خرده مقیاس به دست می‌آید. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش Deci و همکاران ۰/۸۳ بدست آمد (۱۲). همچنین، تحلیل عامل اکتشافی سه عامل را نشان داد که ۱۲/۷۵٪ از واریانس کل را تبیین کردند. روایی سازه این پرسشنامه نیز به وسیله تحلیل عامل تاییدی تایید شد (۱۲). در پژوهش Besharat (۳۲) نتایج سنجش پایایی بازآزمایی برای خرده مقیاس‌های خودپیروی، شایستگی و تعلق به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۳ و ۰/۷۶ بدست آمد. روایی این خرده‌مقیاس‌ها از طریق همبسته شدن با شاخص بهزیستی روان‌شناختی به ترتیب ۰/۳۱، ۰/۳۷ و ۰/۲۴ بدست آمد و با شاخص درماندگی روان‌شناختی به ترتیب ۰/۴۰-، ۰/۳۹- و ۰/۴۳-گزارش شد که همه مقادیر معنادار بودند (۳۲). در این پژوهش پایایی این ابزار از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۶ بدست آمد.

در این پژوهش پس از کسب مجوز و انجام هماهنگی‌های لازم با شبکه بهداشت و درمان شهرستان ماهشهر، لینک پرسشنامه‌های پژوهش با تشریح اهداف پژوهش در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. همچنین، برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد که شرکت آن‌ها در پژوهش و خروج از آن اختیاری است. سپس، توضیحاتی در مورد نحوه تکمیل پرسشنامه‌ها ارائه شد و کسانی که واجد ملاک‌های ورود به پژوهش بودند، به تکمیل پرسشنامه‌ها اقدام کردند. همچنین، مشخصات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان شامل سن، جنس، طول مدت ازدواج، تعداد فرزندان و تحصیلات جمع‌آوری شد. لازم به ذکر است که رضایت آگاهانه، رعایت اصل رازداری و عدم آسیب به شرکت‌کننده‌ها به عنوان ملاحظات اخلاقی این پژوهش در نظر گرفته شدند.

داده‌های این پژوهش به صورت توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای بررسی رابطه متغیرهای پژوهش از روش‌های آماری Correlation و Path Analysis استفاده شد. نرم افزار آماری مورد استفاده (Smart PLS) Smart Partial Least Squares نسخه ۳ بوده است و (p<۰/۰۱) به عنوان سطح معناداری در نظر گرفته شده است.

نتایج

در پژوهش حاضر ۱۰۲ نفر (۸۴ زن و ۱۸ مرد) با میانگین سنی ۳۷ و انحراف معیار ۶/۵۷ و میانگین طول مدت ازدواج ۱۰/۷۹ و انحراف معیار ۷/۲۲ شرکت کردند. مقدار دامنه تغییرات برای طول مدت ازدواج ۳۷ و برای سن ۳۴ بود. همچنین مقدار بیشینه طول مدت ازدواج و سن به ترتیب ۳۸ و ۶۱ و مقدار کمینه آن ها به ترتیب ۱ و ۲۵ بود. سطح تحصیلات شرکت‌کنندگان بدین ترتیب بود که ۹ نفر دیپلم (۸/۸۲ درصد)، ۱۵ نفر فوق‌دیپلم (۱۴/۷۰)، ۶۱ نفر لیسانس (۵۹/۸۰)، ۱۱ نفر فوق‌لیسانس (۱۰/۷۸) و ۶ نفر دکترا (۵/۸۸) داشتند. همچنین ازلحاظ تعداد فرزند ۲۰ نفر بدون فرزند (۱۹/۶۰)، ۳۵ نفر دارای یک فرزند (۳۴/۳۱)، ۴۰ نفر دارای ۲ فرزند (۳۹/۲۱) و ۷ نفر دارای ۳ فرزند (۶/۸۶) بودند. در جدول۱، اطلاعات توصیفی و ماتریس ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش گزارش شده است.

جدول ۱. ماتریس ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش در کارکنان شبکه بهداشت و درمان ماهشهر

متغیر		انحراف معیار ±میانگین	کجی	کشیدگی	۱	۲	۳
طلاق عاطفی		۳/۹۷±۵/۲۵	۱/۴۶	۱/۱۱	۱		
نیازهای روان‌شناختی	**بنیادین**	۱۰۶/۶۷±۱۷/۴۱	-۰/۴۴	-۰/۰۴	-۰/۵۹**	۱	
انتظارات زناشویی		۶۵/۷۳±۱۷/۴۲	-۰/۶۰	-۰/۶۲	-۰/۷۷**	۰/۵۳**	۱

**p<۰/۰۱

[Downloaded from journal.jmu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.25382810.1401.9.3.4.4]

همان‌طور که در جدول ۱ مشخص است، بین متغیرهای پیش‌بین (نیازهای بنیادین روان‌شناختی)، میانجی (انتظارات زناشویی) و ملاک (طلاق عاطفی) در سطح ۰/۰۱ همبستگی معنادار به‌دست‌آمده است. یکی از پیش‌فرض‌های مهم در مدل‌های پیش‌بینی، شاخص تحمل است که نشان می‌دهد متغیرهای پیش‌بین تا چه اندازه رابطه خطی با همدیگر دارند و هر این شاخص نزدیک به ۱ باشد، میزان هم خطی کمتر است (۲۵). در پژوهش حاضر مقدار این شاخص ۰/۷۱ به‌دست آمده است، بنابراین هم خطی نسبتاً مناسبی برقرار است. نمودار ۱، ضرایب مسیر و ضریب تعیین مدل را نشان می‌دهد.

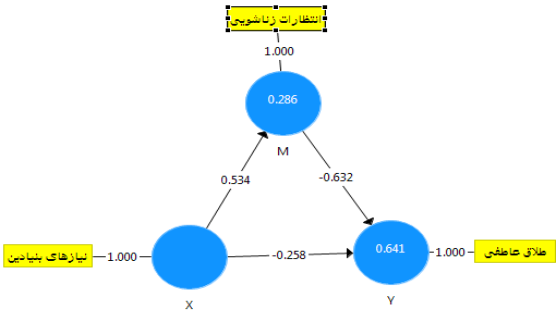

نمودار ۲. ضرایب مسیر و تعیین مدل نقش میانجی انتظارات زناشویی در ارتباط بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و طلاق عاطفی در کارکنان شبکه بهداشت و درمان ماهشهر

نمودار ۲ نشان می‌دهد که ۰/۶۴۱ واریانس طلاق عاطفی توسط نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی تبیین می‌شود (r^2= ۰/۶۴۱). اثر مستقیم نیازهای بنیادین روان‌شناختی بر طلاق عاطفی ۰/۲۵۸- و اثر مستقیم انتظارات زناشویی بر طلاق عاطفی ۰/۶۳۲- است که بدین معنی است با افزایش نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی میزان طلاق عاطفی کاهش پیدا می‌کند.

یکی از شاخص برازش مدل ساختاری، ارزش Stone- Q^2 Geisser است که اگر مقدار آن بیشتر از صفر باشد نشانگر متناسب بودن مدل در پیش‌بینی متغیر وابسته است و مقادیر ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ به ترتیب نشانگر تناسب ضعیف، متوسط و بزرگ مدل در پیش‌بینی است (۳۳). در پژوهش حاضر میزان Q^2 برابر با ۰/۶۰ شده است که می‌توان استنباط کرد تناسب مدل در پیش‌بینی متغیر وابسته بزرگ است. همچنین ریشه میانگین مربعات باقیمانده استانداردشده کمتر از ۰/۰۸ شده است که بیانگر برازش معتبر مدل است (۳۴). نمودار ۳، اطلاعات مربوط به قدر مطلق معناداری ضرایب (t-value) که با استفاده از آزمون بوت استراپ انجام شده را نشان می‌دهد.

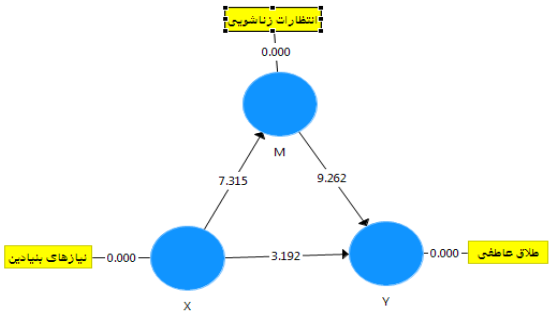

نمودار ۳. معناداری ضرایب (t-value) متغیرهای مدل نقش میانجی انتظارات زناشویی در ارتباط بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و طلاق عاطفی در کارکنان شبکه بهداشت و درمان ماهشهر

نمودار ۳، نشان می‌دهد که مقدار **t** محاسبه شده برای تمامی ضرایب مسیر بزرگ‌تر از ۲/۵۸ است و بنابراین در سطح ۰/۰۱ معنادار محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر اثر مستقیم بین متغییرهای پژوهش وجود دارد. لازم به ذکر است که اگر مقدار **t** کوچکتر از ۲/۵۸ بود، اثرات مستقیم معنادار نبود. بین جدول ۲، مسیر غیرمستقیم و معناداری مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۲. مسیر غیرمستقیم و معناداری نقش میانجی انتظارات زناشویی در ارتباط بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و طلاق عاطفی

متغیر	مسیر	آماره t	معناداری
نیازهای بنیادین روان‌شناختی ← انتظارات زناشویی ← طلاق عاطفی	۰/۳۳-	۶/۳۹	p<۰/۰۰۱

[Downloaded from journal.jmu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.25382810.1401.9.3.4.4]

جدول ۲، نشان می‌دهد که اثر غیرمستقیم نیازهای بنیادین روان‌شناختی بر طلاق عاطفی با میانجی‌گری انتظارات زناشویی برابر با ۰/۳۳- است و بر اساس آزمون بوت استراپ در سطح ۰/۰۱ معنادار گزارش شده است؛ بنابراین انتظارات زناشویی بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و طلاق عاطفی نقش میانجی دارد. جدول ۳، مسیرهای مستقیم و معناداری آن‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۳. مسیرهای مستقیم و معناداری مدل نقش میانجی انتظارات زناشویی در ارتباط بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و طلاق عاطفی

متغیر	ضریب مسیر	آماره t	معناداری
نیازهای بنیادین روان‌شناختی ← طلاق عاطفی	۰/۲۵-	۳/۱۹	<۰/۰۰۱
انتظارات زناشویی ← طلاق عاطفی	۰/۶۳-	۹/۲۶	<۰/۰۰۱
نیازهای بنیادین روان‌شناختی ← انتظارات زناشویی	۰/۵۳	۷/۳۱	<۰/۰۰۱

جدول ۳، نشان می‌دهد که اثر مستقیم نیازهای بنیادین روان‌شناختی بر طلاق عاطفی برابر با ۰/۲۵-، اثر مستقیم انتظارات زناشویی بر طلاق عاطفی برابر با ۰/۶۳- و اثر مستقیم نیازهای بنیادین روان‌شناختی بر انتظارات زناشویی برابر با ۰/۵۳ و بر اساس آزمون بوت استراپ در سطح ۰/۰۱ معنادار گزارش شده‌اند؛ بنابراین تمامی مسیرهای مستقیم معنادار گزارش شده‌اند.

بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی انتظارات زناشویی در رابطه میان نیازهای اساسی روان‌شناختی و طلاق عاطفی بود. نتایج نشان داد که مدل پژوهش با داده‌های تجربی در حد مطلوبی برازش داشته است. همچنین، این مدل نقش میانجی انتظارات زناشویی در رابطه بین نیازهای بنیادین روان شناختی و طلاق عاطفی را تأیید می‌کند. به عبارت دیگر، نیازهای بنیادین روان‌شناختی از طریق تأثیر انتظارات زناشویی بر طلاق عاطفی زوجین اثر می‌گذارد. نیازهای بنیادین روان شناختی تأثیر مستقیمی بر طلاق عاطفی دارد؛ به عبارت دیگر، با افزایش نیازهای بنیادین روان‌شناختی، طلاق عاطفی افزایش می‌یابد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های Ardestani و همکاران (۲۰)، Bazazaiyan و همکاران (۹) و Reic Ercegovac (۲۲) همسو است. همچنین، نیازهای بنیادین روان‌شناختی تأثیر مستقیمی بر انتظارات زناشویی دارد که این نتیجه همسو با نتیجه پژوهش Reić Ercegovac (۲۲) است. همچنین، این پژوهش نیز نشان داد که انتظارات زناشویی تأثیر مستقیمی بر طلاق عاطفی دارد؛ این نتیجه با نتایج پژوهش‌های Ebrahimi و همکاران (۱۷) و Rasheed و همکاران (۲۳) همسو است. لازم به ذکر است که پژوهش ناهمسویی با نتایج پژوهش یافت نشد.

نیازهای بنیادین روان‌شناختی تأثیرات عمیقی بر شخصیت افراد می‌گذارند و در نهایت رفتار آن ها را شکل می‌دهند (۱۱). به عبارت دیگر، نیازهای بنیادین شامل نیاز به استقلال، تعلق و احساس شایستگی در صورتی که به درستی در گذشته فرد به آنها پاسخ داده نشود و یا فرد تجربه‌های موفقی در آن زمینه ها پیدا کرده باشد، منجر به شکل‌گیری سیستم فکری می‌شود که شخصیت و رفتار فرد را در نهایت تحت تأثیر قرار می‌دهد. واضح است که فرد این سه نیاز را در ارتباط با دیگران و محیط اجتماعی خود شکل می‌دهد و ارضا می‌کند. ازدواج و روابط صمیمانه نیز از جمله تعاملاتی اند که افراد این سه نیاز خود را در طی آن ظاهر می‌سازند و به آن پاسخ می‌دهند. براساس نظریه خود تعیین‌گری نیز در صورتی زوجین از رابطه خود رضایت دارند که به میزانی نیازهای بنیادین روان‌شناختی آنها برطرف شود (۱۳). به طوری که حتی ناهماهنگی نیازهای روان شناختی و روش ارضای آن‌ها بر کیفیت روابط زوجین اثر می گذارد و می‌تواند موجبات تعارض و اختلاف زناشویی را فراهم آورد (۲۱). از طرفی، پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که انتظارات زناشویی با طلاق عاطفی (۲۳ و ۵) و نیازهای بنیادین روان شناختی (۹) رابطه دارد و به نظر می‌رسد که ارضاء یا عدم ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی و یا حتی ناهماهنگی نیازهای روان شناختی و روش ارضای آن‌ها به شکل‌گیری انتظارات خاصی منجر می‌شود به طوری که رفتار و روابط فرد را تحت

[Downloaded from journal.jmu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.25382810.1401.9.3.4.4]

تأثیر قرار می‌دهد. در واقع، افراد انتظاراتی درباره یک رابطه عاطفی دارند و میزانی که این انتظارات واقعا تحقق می‌یابند یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم پیامدهای رابطه‌ی زناشویی است (۱۶). زمانی که زوجین به نیازهای بنیادین یکدیگر توجه داشته باشند، بهتر می‌توانند به حمایت عاطفی همسر خود بپردازند و روابط بهتری را تجربه کنند (۱۳). از سوی دیگر، برآورده نشدن انتظارات زناشویی در بین زوج‌ها منجر به سردی روابط میان زوج‌ها و در نهایت طلاق عاطفی می‌شود (۱۸ و ۱۷ ،۱۶). در واقع، زمانی که زوجین انتظاراتی از رابطه دارند، اگر این انتظارات طبق آنچه فرد می‌خواسته برآورده نشود، احساس زیان می‌کند و در صورتی که این عدم ارضای انتظارات ادامه پیدا کند، زوجین از یکدیگر دلسرد می‌شوند که این خود باعث بروز اختلافات و فاصله گرفتن زوجین از یکدیگر و در نتیجه طلاق عاطفی می‌شود (۹).

این پژوهش با محدودیت‌هایی رو به رو بود که می‌توان به روش نمونه‌گیری آن، مکان اجرا و افراد نمونه (افراد شاغل) اشاره کرد. زیرا ممکن است افراد نمونه حاضر به سبب استرس شغلی فراوان و تداخل آن با زندگی شخصی انتظارات بیشتری از شریک یا همسر خود داشته باشند که این نتیجه بر نتایج پژوهش حاضر اثرگذار باشد. همچنین، در نمونه این پژوهش شرکت‌کنندگان زن تمایل بیشتری به همکاری داشتند که می تواند بر نتایج پژوهش حاضر تاثیرگذار باشد. از طرفی، به نظر می‌رسد در رابطه بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و طلاق عاطفی متغیرهای واسطه‌ای و تعدیل‌گر دیگری در میان باشد که در این پژوهش تنها نقش یک متغیر واسطه‌ای بررسی گردید. بنابراین، باید در تعمیم نتایج آن به محتاط بود. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی از دیگر روش‌های نمونه‌گیری، استفاده شود و در دیگر شهرها و مناطق کشور بر روی افراد شاغل و غیر شاغل در نمونه وسیع تری از زنان و مردان اجرا گردد. همچنین، شناسایی دیگر متغیرهای میانجی و تعدیل‌گر در رابطه میان این دو متغیر می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد.

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد انتظارات زناشویی یکی از متغیرهایی است که در رابطه بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و طلاق عاطفی نقش میانجی را ایفا می کند. در واقع، می‌توان گفت که نیازهای بنیادین روان‌شناختی منجر به شکل‌گیری انتظاراتی در افراد می‌شوند که هر فرد آن‌ها را وارد روابط خود به ویژه روابط صمیمانه می‌کند و از طرف مقابل به عنوان همسر خود انتظار پاسخ‌گویی دارد. با برآورده نشدن این انتظارات بصورت مداوم، افراد احساس می‌کنند که مورد توجه و حمایت همسر خود نیستند و در بلندمدت زمینه سرد شدن، فاصله گرفتن و طلاق عاطفی را ایجاد می‌کنند. بنابراین، پیش از ازدواج شناسایی نیازهای اساسی روان‌شناختی افراد و انتظارات آن‌ها از یکدیگر و ازدواج می‌تواند بر کیفیت رابطه زوجین و کارکرد ازدواج اثرگذار باشد.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از کلیه کارکنان بهداشت و درمان شهرستان ماهشهر که ما را در انجام این پژوهش یاری دادند، سپاسگزاریم. تمام نویسندگان در طراحی، اجرا و نگارش همه بخش‌های پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند. پروپوزال این پژوهش توسط کمیته اخلاق دانشگاه شهید چمران اهواز تایید شده است (کد اخلاق EE/1400.2.24.14541/scu.ac.ir).

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافعی بین نویسندگان وجود ندارد.

References

1.Dixon DC. (dissertation). Christian spirituality and marital health: A phenomenological study of long-term marriages. A doctoral dissertation in counseling. America; Liberty University; 2013:1-200.

2. Fisher TD & MC Nulty JK. Neuroticism and marital satisfaction: The mediating role played by the sexual relationship. Journal of Family Psychology. 2020;22:112-22.

3. Ramezani Far H, Kaldi A, Oldi B. Analysis of factors affecting emotional divorce in married women of Tunkabon city. Quarterly Journal of Women in Development and Politics. 2020;19(2):191-167. (in Persian)

4. Matson RE, Rogge RD, Johnson MD, Davidson EKB, Fincham FD. The positive and negative semantic dimontions of relationship satisfaction. Journal of Personal Relationship. 2013;20:328-55.

5. Khan Mohammadi Z, Bazazian S, Amiri Majid M, Qamari M. Predicting emotional divorce based

[Downloaded from journal.jmu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.25382810.1401.9.3.4.4]

on basic psychological needs, marital expectations and family functioning. Journal of Family Psychology. 2017;5(1):17-30. (in Persian)
6. Jarwan AS, Al-frehat BM. Emoional divorce and its relationship with psychological hardiness. International Journal of Education and Practice. 2020;8(1):72-85.
7. Horwitz A, Helen R, Sandra HW. Becoming marital and mental healt: A longitudinal study of a scohort of young adults. Journal of Marriage and The Family Therapy. 2019;58(6):895-907.
8. Zhang H. Association between parental marital conflict and internet addiction: A moderated mediation analysis. Journal of Affective Disorder. 2019;22(3):27-32.
9. Bazzazian S, Amiri Majd M, Ghamari M. The mediating role of family function in the relationship between psychological basic needs, marital expectations and marital commitment. Contemporary Psychology, Biannual Journal of the Iranian Psychological Association. 2019;13(2):158-68.
10. Hashemi L, & Homayuni H. Emotional divorce: Child's well-being. Journal of Divorce and Remarriage. 2017;58:631-44.
11. Basharat M, Houshmand S, Rezazadeh S, Gholamali Lavasani M. The moderating role of satisfying basic psychological needs in the relationship between parents' parenting styles and children's marital satisfaction. Family Psychology. 2014;2(1):15-28. (in Persian)
12. Deci EL, Ryan RM. The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the selfdetermination of behavior. Psychological Inquiry. 2000;11:227-68.
13. Lao Guardia JG. On the role of psychological needs in healthy functioning: Integrating a Self-determination theory perspective with traditional relationship theories. In J. V. Wood, A. Tesser, & J. Holmes (Eds.), Self and relationships. New York: Psychology Press.2007.
14. Shockley KM, Allen TD. It's not what I expected: The association between dualearner couples' met expectations for the division of paid and family labor and well-being. Journal of Vocational Behavior. 2018;104:240-60.
15. Shirmardi A, Chartangi Sh, Rasouli R. The relationship between marital expectations and happiness in the degree of willingness to divorce among married people. World Conference on Psychology and Educational Sciences, Law and Social Sciences at the beginning of the third millennium, Shiraz; 2014,1-15. (in Persian)
16. Vannier SA, O'Sullivan LF. Great expectations: Examining unmet romantic expectations and dating relationship outcomes using an investment model framework. Journal of Social and Personal Relationships. 2017;35(8):1045-66.
17. Ebrahimi S, Bani Fatemeh H. Emotional divorce and factors related to it in Naghdeh city. Journal of Sociological Studies. 2011;5(17):7-22. (in Persian)
18. Nikogoftar M. Marital conflicts and emotional divorce with the mediation of intimacy in married women: verification of a causal model. Islamic Lifestyle Based on Health. 2020;5(1): 117-25. (in Persian)
19. Abbaspour Z, Karimi Vardanjani M, Khojastehmehr R. The Mediating Role of Fulfillment of Marital Expectations in the effect of Marital Satisfaction on High Marital Expectations, Optimism and Relationship Self-Efficacy in University Personell. Positive Psychology Research. 2020;5(4):1-14.
20. Ardestani Samani Z, Ghasemi Pirbaluti M, Emami Z. Investigating the impact of psychological needs on the emotional divorce of couples referring to counseling centers in Shahrekord. The third international conference on innovation and research in educational sciences, Management and psychology; 2018, 1-13. (in Persian)
21. Glasser, W. (1998). Choice Theory.34 nd ed: New York: HarperCollins; 1-368.
22. Reić Ercegovac I, Bubić A. Basic psychological needs predict participants' attitudes and expectations towards marriage. Nordic Psychology. 2016;2;68(2):73-86.
23. Rasheed A, Amr A, Fahad N. Investigating the Relationship between Emotional Divorce, Marital Expectations, and Self-Efficacy among Wives in Saudi Arabia. Journal of Divorce and Remarriage. 2021;62(1):19-40.
24. Mansfield J. Unrealistic marital expectations [On-Line]. Available: www. Lamorapsych.com/knowledgebase/entry.
25. Knee CR, Hadden BW, Porter B, Rodriguez LM. Self-determination theory and romantic relationship processes. Personality and Social Psychology Review. 2013;17:307-24.
26. Ameri M, Fadaei Aghdam N, Khajeh M, Golish, Baha R. Investigating factors related to job stress in different work shifts of nurses working in hospitals affiliated to Shahrood University of Medical Sciences. Journal of Nursing and Midwifery. 2021 10;19(2):149-57. (in Persian)
27. Sadeghi Yarandi M, Khodabakhshi Kolayi A, Filofasinejad M, Khalatbari, N. The relationship between occupational stress and the immune system and functional memory of women working

[Downloaded from journal.jmu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.25382810.1401.9.3.4.4]

in medical diagnosis laboratories. Shafai Khatam Journal of Neuroscience. 2019 10;7(2):23-32. (in Persian)
28. Hosseini, Z., Pahanande Vansafli K., Mirzaian B. The relationship between job stress and social support in predicting the job satisfaction of Mazandaran University of Medical Sciences employees. Journal of Mazandaran University of Medical Sciences.;25(134):9-335. (in Persian)
29. Gottman JM. Gottman method couple therapy. Clinical handbook of couple therapy. 2008;4(8), 138-64. (in Persian)
30. Mousavi F, Rahimi A. The Comparison of Interpersonal Identity Statuses in Married People with Regards to Emotional. Journal of Applied Psychology Research. 2015;6(10):11-23. (in Persian)
31. Adoric C, and Juranic VI. Scale of tendency to idealize marriage, In: I. Tucak Junakovic, V. Cubela Adoric, A. Prorokovic and Z. Penezic, editors. Collection of psychological scales and questionnaires, Sv. 2010;5.
32. Besharat M, Ranjberklagri A. Basic Psychological Needs Satisfaction Scale: Reliability, Validity and Factor Analysis. Educational Measurement Quarterly. 2011;14(4):168-147. (in Persian)
33. Hair JF, Hult GTM, Ringle CM, Sarstedt M. A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM). Second Edition. Sage Publications; 2017:220-21.
34. Hu L-t, Bentler PM. Fit Indices in Covariance Structure Modeling: Sensitivity to Underparameterized Model Misspecification. Psychological Methods. 1998;3(4):424-53.

[Downloaded from journal.jmu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.25382810.1401.9.3.4.4]

The Mediating Role of Marital Expectations in the Relationship between Emotional Divorce and Basic Psychological Needs in Health Network Employees

Received: 8 Oct 2022 Accepted: 4 Dec 2022

Bahareh Habibi[1], Sara Shirmardi [2*], Khadijeh Shirali[3], Keyhan Fathi[4]

1. PhD in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran 2. PhD in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran 3. Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran 4. Assistant Professor, Department of Psychology, Khuzestan University Jahad Institute of Higher Education, Ahvaz, Iran

Abstract

Introduction: Sometimes couples have problems and conflicts in the relationship leading them to divorce, which is a kind of social damage. Emotional divorce is considered as the first step in the divorce process, indicating a declining marital relationship. Although the relationship of many variables with emotional divorce has been determined, it can be useful to identify mediating factors. Therefore, the aim of the present study is to investigate the mediating role of marital expectations in the relationship between emotional divorce and basic psychological needs in health network employees.

Materials and Methods: The current research method is a correlational description. Its statistical population is composed of 102 volunteer couple of Mahshahr health and treatment network in 2022 via available sampling method. The participants answered the questionnaire of basic psychological needs, idealization of marriage and emotional divorce. The research data was analyzed using the statistical method of structural equation modeling and SPSS and pls third edition software.

Results: The results showed that the direct effect of basic psychological needs on emotional divorce is -0.258 and marital expectations on emotional divorce is -0.632, that both of them are significant (P<0.001). Also, the indirect effect of marital expectations (-0.33) in the relationship between basic psychological needs and emotional divorce was significant (P<0.001).

Conclusion: In general, it can be said that failure to satisfy basic psychological needs can lead to the formation of special expectations in married people, leading to emotional divorce. Therefore, in premarital educational programs and in couple therapy, paying attention to the role of marital expectations and the basic psychological needs of couples can be important in identifying and treating couple problems.

Keywords: Basic psychological needs, Expectations, Emotional divorce

***Corresponding Author:** PhD in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Email: shirmardi.sara1990@gmail.com Tel: +989371716662 Fax: +9832822313

[Downloaded from journal.jmu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.25382810.1401.9.3.4.4]